

متن پرسش

باسمه تعالی. با عرض سلام خدمت استاد گرانقدر. خواهشمند است بفرمایید: سؤال ۱- ائمه‌ی بزرگوار ما ادعای بزرگی می‌کنند و ما می‌گوییم هیچ‌کس زیر این آسمان چنین ادعاهایی ندارد، بنابراین فقط ایشان هستند که معصومند و عین‌الله و اذن‌الله و... حالا چرا وقتی محی‌الدین ادعا می‌کند که ختم ولایت است و هیچ انسانی روی زمین چنین ادعایی نکرده به او اشکال می‌گیریم و یا ادعاهای دیگری که می‌کند و می‌گوید فصوص از سوی شخص پیامبر به سوی من القاء شده و...؟ : ۲- این دلیل که می‌گوییم امام زمان ظهور نمی‌کنند از ترس دشمنان و این‌که احتمال خطر می‌دهند و از جان خود می‌ترسند ظاهراً دلیل محکمی نیست، چون اولاً نایبان ایشان مثل امام خمینی و یا آیت‌الله خامنه‌ای ظهور کرده‌اند و از شرّ دشمنان هم در امان مانده‌اند و دشمن هم می‌داند که ایشان چه نقشی ایفا می‌کنند و ثانیاً امامی که یارانشان قدرت طی‌الأرض و این‌گونه کارها را دارند، چگونه خودشان به طریق اولی از این قدرت‌ها اعمال نکنند و خود را از شرّ دشمنان حفظ نکنند؟ (بنابراین اشکال فقط از طرف ماست). ۳- اگر ولایت حق بر انسان‌ها را تشکیکی بدانیم و بگوییم از سوی حق بر رسول و سپس بر امام و سپس بر ولی فقیه زمان جاری می‌شود تا به انسان‌ها برسد، اولاً آیا ولایت دیگران مثل اساتید و دوستان و مؤمنان بر انسان در طول ولایت فقیه زمان است یا در عرض آن چگونه؟ و ثانیاً شخص چگونه ترتیب این ولایت‌ها را بر خود تشخیص دهد؟ و ثالثاً آیا به صورت طولی می‌توان ولایت‌های متفرقه را طی کرد و مستقیماً زیر ولایت ولی فقیه زمان و سپس ولایت مستقیم امام و پیامبر قرار گرفت؟ ۴- با توجه به ایراداتی که اخیراً به طور جدی به فلسفه و عرفان می‌گیرند و این‌ها را جدای از دین می‌دانند، اولاً آیا وظیفه‌ی ما نیست (که مانند فرمایش رهبری خطاب به حوزه که فرمودند باید این تحولات را مدیریت کنید تا حوزه دچار انزوا نشود) به گونه‌ای این هجمه و تغییر و تحول را مدیریت کنیم که این مباحث در جامعه منزوی‌تر از این نشود؟ و ثانیاً آیا می‌شود گفت حالا دیگر ما در حوزه‌ی فلسفه و عرفان به زبانی جدیدتر و نزدیک‌تر به زبان قرآن و عترت نیاز داریم که بتوانیم جواب شبهات و سؤالات دین‌داران را بدهیم، مثل فقه که در عین حفظ استحکام جوهره‌ی سنتی‌اش باید خود را با عنصر زمان و مکان وفق دهد؟ به عبارت دیگر مثل حکومت جمهوری اسلامی که تمرین می‌کنیم تا حکومت معصوم را درک کنیم، فلسفه و عرفان را هم روز به روز زبانش را با زبان آیات و روایات بیشتر هماهنگ کنیم تا شایسته‌ی نشست‌ن در محضر امام شویم و سخن ایشان را به دور از مفاهیم و اصطلاحات درک کنیم؟ (یعنی بعد از امثال ملاصدرا در حال حاضر نوبت ماست که حرکت جدیدی از خود نشان دهیم). ۵- نگران بودن معصوم از این‌که آیا عاقبت به خیر می‌شوند یا نه را

چگونه توجیه کنیم؟ چرا حضرت علی «علیه السلام» از حضرت رسول «صلوة الله علیه وآله» می پرسند آیا موقع شهادت بر دین اسلام هستم یا نه؟ این نگرانی برای ما معنی می دهد ولی آن بزرگواران که شیطان خود را رام کرده اند مگر نمی دانند که در آخر عمر سر به سلامت می برند؟ این که مثل دعا نیست که بگوییم للدفع است.

متن پاسخ

باسمه تعالی؛ علیک السلام: ۱- برای ادعای ائمه «علیهم السلام» شواهد و دلایلی خارج از ادعای آن ها از قرآن و سخنان پیامبر «صلواہ الله علیہ وآلہ» داریم، از طرفی حرکات و سخنان خود ائمه «علیہم السلام» ادعایشان را اثبات می کند. ولی در مورد محی الدین بدون آن که سخن او را نفی کنیم مجبوریم مرز آن را مشخص کنیم چون ما به دلایل کافی معتقدیم حضرت مهدی «عجل الله تعالی فرجه ختم ولایت» اند و لذا می گوییم منظور محی الدین از ختم ولایت داشتن اش، ولایت خاصی است مثل ولایت از جهت نظمی که در عرفان نظری داده و دارد. در ضمن اهل عرفان هیچ اشکالی به ادعای او در مورد اخذ فصوص از رسول خدا «صلواہ الله علیہ وآلہ» ندارد چون می فهمند او چه می گوید. ۲- این که گفته می شود امام جهت در امان ماندن از شر دشمنان در غیبت اند مبتنی بر روایتی است که از قول حضرت نقل شده که حضرت فرمودند: پدرم به من توصیه کرده که از شر دشمنان از کوهی به کوهی پناه ببر. شاید یکی از علت های غیبت این باشد که زمانه هنوز طوری است که دشمنان حضرت قدرت غالب را دارند ولی این که می فرمایید نایبان آن ها در امنیت بودند فرق دارد چون بالاخره اگر این ها کشته شوند کار تمام نمی شود و لذا دشمن عزمی بر کشتن نایبان حضرت آنچنان نخواهد داشت آن طور که اگر حضرت را به قتل برسانند همه چیز تمام می شود و بنا هم نیست که امام در ایجاد نظام اسلامی از قدرت های غیر عادی مثل طی الارض استفاده کنند. ۳- چیزهایی مقول به تشکیک هستند که وجودی باشند. ولایت فقیه به اعتبار حکم امام معصوم مشروعیت دارد و از جنس ولایت تشریحی امامان است و نه ولایت تکوینی و وجودی آن ها. برای آن که در ذیل ولایت امام معصوم قرار گیریم باید قلب را به صحنه آورد و از آن طریق به ایشان رجوع کرد تا آن ها تصرف ولایی بکنند. ۴- به نظر من حرف درستی است و حضرت علامه و آیت الله جوادی از نظر تئوری سعی بر این کار دارند. ۵- ارتباط با خدا وجودی و تشکیکی است و لذا امام معصوم نیز باید تلاش کنند تا این ارتباط بماند و ضعیف نشود و شدت پیدا کند و نگران اند که با کوچک ترین غفلت این ارتباط ضعیف شود و عبادات طولانی آن ها حکایت از همین امر دارد. موفق باشید